www.mums.ac.ir
Medical Journal of Mashhad
University of Medical Sciences
Vol 65, No.6, P: 2600-2612
Jan-Mar 2023

مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
سال ۶۵ ، شماره ۶
بهمن-اسفند ۱۴۰۱ ، صفحه ۲۶۱۲-۲۶۰۰

مقاله اصلی

طراحی مدل موانع مشارکت ورزشی کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از دیدگاه روان شناختی به منظور توسعه ورزش همگانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴- تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

جلال گودرزی[۱]
سپیده قطنیان*[۲]
زهره افشارمند[۳]
سعید قربانی[۳]

[۱] دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکدهٔ تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

[۲] استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکدهٔ تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. (نویسنده مسئول)

[۳] استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکدهٔ تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

Email: sepideh.ghotnian@yahoo.com

خلاصه

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل موانع مشارکت ورزشی کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از دیدگاه روان شناختی به منظور توسعه ورزش همگانی انجام شد.

روش کار: روش پژوهش حاضر، کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد با رویکرد نظام مند بود. جامعه آماری در بخش کیفی شامل مسئولین، مشاوران و کارشناسان حوزه ورزش همگانی در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می باشند. ملاک انتخاب مشارکت کننده ها تسلط بر موضوع، تجربه عملی و در دسترس بودن بود. جامعه آماری بخش کمی این پژوهش شامل کلیه مدیران ارشد و میانی و کارکنان وزارت دفاع می باشد. از روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر رویکرد نظری استفاده شد. جمع‌آوری اطلاعات تا اشباع نظری داده ها ادامه یافت و تعداد ۱۴ مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته انجام گرفت. به منظور تجزیه‌وتحلیل داده ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی استراس و کوربین با استفاده از نرم افزار مکس کیودا استفاده شد که حاصل آن، استخراج ۱۷۲ مفهوم، ۳۲ مقوله فرعی و ۱۳ مقوله اصلی بود.

نتایج: نتایج نشان داد به منظور طراحی مدل موانع مشارکت ورزشی کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از دیدگاه روان شناختی به منظور توسعه ورزش همگانی باید ۱۳ عامل یاد شده به عنوان مؤلفه‌های کلیدی مورد توجه قرار گیرد که ارتباط بین آنها در قالب مدل نهایی پژوهش ارائه شده است. در این مدل، توسعه مشارکت ورزشی با مقولات فرعی حوزه های مشارکت کارکنان، گروه های هدف و فرصت‌های موجود به عنوان مقوله اصلی یا پدیده محوری انتخاب شد که به عنوان یک متغیر وابسته تحت تأثیر شرایطی مانند اسناد بالادستی، تعارضات اجرایی، نبود تفکر استراتژیک، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده، بی‌عدالتی توزیعی، کارکرد نهادهای حاکمیتی، تسهیل‌کننده های محتوایی، جهت‌گیری رسانه، عوامل اجتماعی و سازمانی قرار دارد.

نتیجه گیری: تحقق پدیده ی توسعه مشارکت ورزش همگانی می‌تواند منجر به پیامد خاصی با عنوان سلامت روانی و موفقیت اجتماعی شود.

کلمات کلیدی: مشارکت، روان شناختی، روش کیفی، گراندد تئوری، ورزش همگانی، همکاری بین سازمانی.

مقدمه

علیرغم اهمیت تربیت‌بدنی یافته‌ها حاکی است که اجرای فعالیت های ورزشی کارکنان، با مشکلات زیادی از جمله نبود برنامه‌ریزی صحیح و یکسان در ادارات، نبود امکانات لازم اعم از فضا، وسایل و تأسیسات ورزشی، کمبود نیروی کارآمد و متخصص و ... مواجه بوده است (۱). با توجه به بودجه ناکافی و نیازهای متنوع و متعدد ورزش کارگری، نیاز به مشارکت همه عناصر و عوامل جامعه ضروری است. حتی، برخی از اندیشمندان، محور اصلی توسعه هر کشوری را بر پایه مشارکت در ورزش همگانی می‌دانند (۲). بر این اساس، نظر به اهمیت ورزش در وزارتخانه ها و ادارات و همچنین نیاز به امکانات مالی، فیزیکی و انسانی جهت گسترش و توسعه ورزش همگانی از یک طرف و کمبود منابع مالی و ... از طرف دیگر و نیاز به مشارکت کارکنان و مدیران و سازمانهای ذینفع در توسعه ورزش در این پژوهش الگویی به منظور افزایش فعالیت‌های ورزشی و رفع موانع مشارکت ورزشی کارکنان اداری در جهت توسعه ورزش همگانی تدوین خواهد شد تا رهنمودهایی کاربردی برای تأمین منابع لازم جهت توسعه ورزش همگانی ارائه گردد. تعاریف متعددی از مشارکت ورزشی در مقالات داخلی و خارجی ارائه شده است. از دیدگاه لغوی مشارکت مصدر باب مفاعله عربی است و معنای آن را شرکت کردن و انبازی کردن ذکر کرده اند. قدیمی ترین تعریف مشارکت عبارت است از پیوندی دوسویه سازنده و سودمند میان دو تن یا بیشتر (۳). دیویس مشارکت را یک درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی می دانند که آنان را برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (۴) به اعتقاد چندانی و همکاران (۲۰۰۷) مشارکت فرایندی است که از طریق آن به کارکنان اجازه داده می شود که درباره کارشان تأثیر و نفوذ داشته باشند، به عبارت دیگر مشارکت حالت و وضعیتی است که تحت آن، افراد با اختیارات بیشتر کار و وظیفه خود را بهتر انجام می دهند (۵). مشارکت یعنی درک هر فرد از میزان نفوذی که بر تصمیم گیری دارد، در مقایسه بانفوذ واقعی که وی می تواند در تصمیم گیری ها داشته باشد، لذا مشارکت شامل هر فرایندی می شود که از طریق آن کارکنان می توانند سهمی در اتخاذ تصمیم های مدیریتی داشته باشند (۶). به عقیده هوپ و همکاران (۲۰۱۱) در بحث مشارکت ورزشی موانع درون فردی مانند نداشتن علاقه، ناآگاهی، مشکلات فردی روانی با انگیزه فرد رابطه دارند و از آن طریق می توانند بر میزان مشارکت فرد در ورزش اثر بگذارند(۷). به همین منظور برای فهم بهتر موانع درون فردی و ارتباط آنها با دیگر میانجی های روانی، اجتماعی موثر بر انگیزه، که در ادبیات تحقیق بدان اشاره خواهد شد، تحقیقات زیادی وجود ندارد. عدم تمایل برای مشارکت و یا آماده نبودن شرایط برای مشارکت از جمله مسائل آسیب زننده به اجرای صحیح نظام مشارکت است. پژوهش های انجام شده در زمینه مشارکت دلایلی از قبیل؛ «احساس عدم تعلق و وابستگی»، «مغایر بودن اهداف فرد با سازمان یا گروه»، «فقدان انگیزش»، «احساس بیم و خطر از مشارکت»، «ضعف کار گروهی در جامعه»، «عدم بسترسازی فرهنگی»، «کمبود آموزش»، «کمبود فرصت و زمان»، «محرمانه بودن و حساس بودن برخی از طرح ها»، «اتخاذ سبک مدیریت استبدادی» و «ضعف مدیریت» را برای عدم مشارکت بیان کردند (۸؛ ۹). پیشرفت روزافزون فناوری‌ها، پدیده‌ای به نام فقر حرکتی را با خود به همراه آورده است (۱۰). جهت خروج از وضع موجود، نیازمند ابزارهای درخور و شایسته از جمله فعالیت‌های ورزشی به عنوان یک ابزار چند بعدی با تأثیرات گسترده بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و ایجاد نشاط و شادابی است (۱۱). ورزش‌های همگانی می‌تواند کم تحرکی زندگی روزمره را جبران کند (۱۲). کارکرد اجتماعی ورزش در توسعه و تحکیم روابط اجتماعی، کارکرد زیربنایی و بنیادی است که در کل ساختار جامعه و روابط موجود در اقشار و آحاد اجتماعی اثرات قابل توجهی بر جای می‌گذارد (۱۳). فعالیت در دنیای امروز ابتکار عمل سریع را از افراد گرفته است و آن ها را دچار فقر حرکتی کرده است و این فقر حرکتی مشکلات عدیده جسمی، روانی و اجتماعی را برای آن ها به وجود آورده است (۱۴). تحقیقات نشان داده است که بی تحرکی و آلودگی هوا

به ترتیب از عوامل بازدارنده انجام فعالیت فیزیکی کارکنان می‌باشند و حمایت‌های اجتماعی اطرافیان، سابقه قبلی انجام فعالیت‌های ورزشی و قرارگیری در طیف طبیعی توده بدنی نقش مهمی در پیش بینی مراحل آمادگی افراد از نظر انجام فعالیت جسمانی هستند (۱۵). از مهم‌ترین ویژگی‌های ورزش انجام برنامه‌های گروهی و دسته جمعی است که خود عاملی برای درمان انزواطلبی و رشد شخصیت اجتماعی می‌باشد. در واقع فعالیت جسمانی ابزاری است که از طریق آن نگرش‌های ارزشمند فرهنگی، شخصی، اجتماعی و رفتارها می‌توانند به دیگر اجزای زندگی اجتماعی راه یابند (۱۶). با توجه ادبیات پیشینه تحقیق و اهمیت مشارکت ورزشی کارکنان و توجه به امکانات مالی، فیزیکی و انسانی جهت توسعه ورزش همگانی در سازمان ها و کمبود منابع مالی در توسعه ورزش کارکنان، پژوهش حاضر به مدل مشارکت ورزشی کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از دیدگاه روان شناختی به منظور توسعه ورزش همگانی خواهد پرداخت تا پیشنهادهای کاربردی جهت تأمین منابع لازم جهت توسعه ورزش همگانی در این سازمان ارائه شود.

روش کار

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی بوده و سعی شده است با ارائه توضیحاتی مختصر درباره روش شناسی پژوهش کیفی، این روش معرفی و فرآیند انجام پژوهش به خوبی تشریح شود. پژوهش حاضر از بین جهت‌گیری‌های فلسفی، جهت‌گیری تفسیرگرایی دارد که با توجه به ماهیت اجتماعی مشارکت ورزشی کارکنان و لزوم توجه به زمینه آن از روش پژوهش کیفی استفاده می‌کند. نظریه داده بنیاد توسط گلیزر (۱۹۹۸) از دانشگاه کالیفرنیا شکل گرفت و ریشه در جامعه‌شناسی دارد(۱۷). در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک یا نظام مند استفاده شد که برای تدوین نظریه در رابطه با یک پدیده، به صورت استقرایی مجموعه‌ای نظام مند از رویه‌ها را به کار می‌گیرد و بر استفاده پژوهشگر از مراحل سه‌گانه تحلیل داده ها شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی تأکید دارد. گردآوری اطلاعات و داده ها در نظریه داده بنیاد می‌تواند به صورتهای مختلفی انجام شود. داده های گردآوری‌شده شامل انواع مختلفی از داده های کیفی است نظیر مشاهدات، مصاحبه‌ها، بررسی اسناد و مدارک، خاطرات پاسخ‌دهندگان، مشارکت و تأملات شخصی خود پژوهشگر. در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده ها از روش های مصاحبه فردی و بررسی اسناد و مدارک استفاده شد. جهت شناخت مبانی نظری، ادبیات و پیشینه تحقیق مرتبط با موضوع؛ از طریق رجوع به اطلاعات موجود در پایگاه های اینترنتی، کتب، مجلات و نشریات مختلف، مطالب مربوط به هر یک، گردآوری شد. در بخش دوم، گردآوری اطلاعات از طریق بررسی و تحلیل اسناد بالادستی در حوزه ی ورزش همگانی و سایر اسناد مربوطه در وزارت سازمان صورت گرفت. همچنین جهت بررسی سؤالات پژوهش و شناسایی مقوله‌ها از مصاحبه عمیق فردی نیمه ساختار یافته استفاده شد؛ که در ادامه به بررسی روش مصاحبه می‌پردازیم. در این پژوهش ما با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته فردی به دنبال بررسی عمیق اطلاعات و دیدگاه های مشارکت‌کنندگان در مورد توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی بودیم. جامعه آماری در بخش کیفی شامل مسئولین، مشاوران و کارشناسان حوزه ورزش همگانی در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می باشند. در پژوهش حاضر از روش نمونه گیری هدفمند مبتنی بر رویکرد نظری استفاده می شود. ملاک انتخاب مشارکت کننده ها تسلط بر موضوع، تجربه عملی و در دسترس بودن بود. جمع آوری اطلاعات تا اشباع نظری داده ها ادامه یافت. جامعه آماری بخش کمی این پژوهش شامل کلیه مدیران ارشد و میانی و کارکنان وزارت دفاع می باشد. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر رویکرد نظری استفاده شد. ملاک انتخاب مشارکت‌کننده ها تسلط بر موضوع، تجربه عملی و در دسترس بودن بود. جمع‌آوری اطلاعات تا اشباع نظری داده ها ادامه یافت. بااینکه از مصاحبه دهم به بعد تقریباً داده ها تکراری بودند و اشباع نظری حاصل شده بود، برای اطمینان و اعتبار بیشتر، این فرایند تا مصاحبه ۱۴ ادامه یافت. شایان ذکر است که شرکت‌کنندگان از نظر سابقه کار، سن، جنس، قومیت، وضعیت

استخدامی و وضعیت تأهل تنوع لازم برای به دست آوردن تجارب مختلف را داشتند. در این پژوهش کلیه مصاحبه‌ها بلافاصله پس از انجام مصاحبه، تدوین و تایپ شدند و به شیوه مقایسه مداوم تحلیل و کدگذاری اولیه انجام گرفت ضمن اینکه در حین مصاحبه یادداشت برداری جهت ادامه مصاحبه و تدوین سؤالات احتمالی صورت می‌گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی استراس و کوربین با استفاده از نرم افزار مکس کیودا (*MAXQDA*) استفاده شد. در ادامه به توضیح این مراحل می‌پردازیم.

در مرحله کدگذاری باز، به خرد کردن، مقایسه کردن، نامگذاری، مفهومپردازی و مقوله‌بندی داده ها پرداخته شد؛ بدین‌صورت که داده ها به بخش‌های مجزایی خرد شد و مشابهت‌ها و تفاوت های آنها موردبررسی قرار گرفت تا ابتدا مفاهیم مستتر در آنها استخراج و سپس با کنار هم گذاشتن مفاهیم مشابه، مقوله‌ها شکل بگیرد. پس از کدگذاری باز در این مرحله با کنار هم قرار دادن کدها، بر اساس مفاهیمی ذهنی نامگذاری صورت گرفت. این کار بدین‌صورت انجام سد که درباره هرکدام از وقایع و رخدادها سؤالاتی را مطرح کرده و سپس نامگذاری مفاهیم انجام شد. به‌عنوان مثال، این چیست؟ نمایانگر چه چیزی است؟ پس از عنوان گذاری مفاهیم حاصله، گروهبندی مفاهیم در سطح انتزاعی‌تر برای دستیابی به مقولات آغاز شد. فرایندی که مقوله‌بندی نام دارد. در فرایند پژوهش گاهی ده ها و حتی صدها برچسب مفهومی به دست آمد که این مفاهیم گروهبندی شدند. مقوله‌بندی هم بر اساس دورویه تحلیل پرسش کردن و مقایسه کردن انجام شد. در جریان این کار هر مفهوم را با مفاهیم قبل و بعد خود یا با کل مشاهده، مقایسه نمودیم. مقوله‌ها به‌طور منظم با یکدیگر مقایسه شده تا به مقولات مرکب و جامع برسیم. عنوان یا نامی برای مقولات انتخاب شد که بیشترین ارتباط را با داده هایی که مقوله نمایانگر آن است، داشته باشد. در مرحله کدگذاری محوری مقولات به‌دست‌آمده از طریق کدگذاری باز را در نظمی منطقی قرار داده و ارتباط آنها با هم مشخص شد، به عبارتی داده های تجزیه‌شده به مفاهیم و مقوله‌ها در کدگذاری محوری به شیوه جدیدی به یکدیگر مرتبط شدند. این کار با به کار بردن یک مدل پارادایمی شامل شرایط‌علّی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها انجام شد. شرایط علّی به حوادث، رویدادها و اتفاقاتی اشاره دارد که منجر به وقوع یا توسعه پدیده مورد نظر می‌شود. شرایط علّی به شرایطی گفته می‌شود که عامل اصلی به وجود آورنده پدیده مورد مطالعه می‌باشد. شرایط‌علّی می‌تواند هر واقعه (مانند رفتاری خاص، چیزی که گفته شده یا چیزی که کسی انجام داده است) و هم‌چنین رویداد احتمالی باشد. شرایط‌علّی در داده ها اغلب با واژگانی نظیر وقتی، درحالی‌که، ازآنجاکه، چون، به سبب و به علت بیان می‌شود. حتی زمانی که چنین نشانه‌هایی وجود ندارد محقق می‌تواند با توجه به خود پدیده و با نگاه منظم به داده ها و بازبینی رویدادها و وقایعی که از نظر زمانی مقدم بر پدیده مورد نظرند، شرایط‌علّی را بیابد. شرایط زمینه‌ای بیانگر مجموعه خاص شرایطی است که درون آن راهبردهای کنش/واکنش صورت می‌پذیرد. نشاندهنده یکسری خصوصیات ویژه است که به پدیدهای دلالت می‌کند؛ به عبارتی، محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیدهای در طول یک بعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد. شرایط مداخله‌گر به شرایط ساختاری مربوط به راهبردهای کنش/کنش متقابل که مربوط به یک پدیده است، اشاره دارد. آنها تسهیل گر یا محدودکننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاص قرار دارند. این شرایط شامل فضا، زمان، فرهنگ، وضعیت اقتصادی، وضعیت فن شناختی، حرفه، تاریخ و بیوگرافی فردی هستند. همه شرایط‌الزاماً درباره همه موارد صدق نمی‌کند و این به خود محقق بستگی دارد که تشخیص دهد از کدامیک در تحلیل‌های خود باید استفاده کند. این کار با نشان دادن اینکه چگونه آنها کنش و واکنش را آسان یا مشکل می‌سازند صورت می‌پذیرد. راهبردها به مدیریت، اداره کردن، انتقال دادن یا پاسخ دادن به پدیده تحت مجموعه خاصی از شرایط مشاهده شده، از سوی کنشگران تعبیر می‌شود. راهبردهای مورد نظر در نظریه زمینه‌ای به ارائه راه حل‌هایی برای

مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد که هدف آن اداره کردن پدیده موردمطالعه، برخورد با آن و حساسیت نشان دادن در برابر آن است. راهبردها مقصود داشته، هدفمند است و به دلیلی صورت می‌گیرد.

در عین حال ممکن است برای اهدافی صورت پذیرد که مربوط به پدیده نیست اما به‌هرحال پیامدهایی را برای پدیده در بر خواهد داشت. پیامدها نتایج و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند کنش/کنش متقابل که در پاسخ به یا در اداره یک پدیده انجام می‌شوند، پیامدها و نتایجی دارند، این‌ها همیشه قابل پیش‌بینی نیستند، یا به‌منظور انجام نشده اند. آنها ممکن است بالقوه یا بالفعل باشند. در زمان حاضر یا در آینده اتفاق بیفتند. ازاین‌رو آنچه پیامدهای کنش/کنش متقابل در یک برهه زمانی است ممکن است بخشی از شرایط درزمانی دیگر باشد (۱۸). در مرحله کدگذاری انتخابی پس از انجام کدگذاری باز و محوری و مشخص شدن مدلهای پارادایمی آغاز می‌شود. کدگذاری انتخابی، کدگذاری محوری را در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروهها تشریح می‌شود. در هر یک از مصاحبه‌ها کدهایی که ازنظر دو نفر مشابه بودند، با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص شدند و درصد توافق بین دو کدگذار با استفاده از فرمول (دو برابر توافقات ضربدر ۱۰۰ تقسیم بر کل کدها) محاسبه شد.

جدول ۱. نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

شماره مصاحبه	کل کدها	توافقات	عدم توافقات	درصد پایایی
۱	۴۲	۱۸	۶	۸۸
۳	۲۸	۱۰	۸	۷۸
۷	۱۶	۶۶	۴	۷۶
کل	۸۶	۳۴	۱۸	۷۸

همانطور که داده های جدول نشان می‌دهند، پایایی کل بین دو کدگذار برابر با ۷۹ درصد است و با توجه به اینکه پایایی بیش از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود

نتایج

در جدول زیر اطلاعات جمعیت شناختی مربوط به مشارکت‌کنندگان این پژوهش که با آنها مصاحبه انجام گرفته، ذکر شده است.

جدول ۲ . اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

طبقه	مدرک تحصیلی		سن		
	فوق لیسانس	دکتری	۳۰-۴۰	۴۱-۵۱	۵۲-۶۲
فراوانی	۶	۸	۵	۷	۳۲
درصد	۴۲,۸۵	۵۷,۱۴	۳۵,۷۱	۵۰	۱۴,۲۸

جدول ۳ . محل اشتغال مشارکت کنندگان

پست	تعداد	درصد
کارشناس تربیت بدنی سازمان صنایع هوافضا	۲	۱۴,۲۸
کارشناس تربیت بدنی سازمان صنایع هوایی	۱	۷,۱۴
کارشناس تربیت بدنی سازمان صنایع دریایی	۱	۷,۱۴
کارشناس تربیت بدنی موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی	۱	۷,۱۴
کارشناس تربیت بدنی سازمان اتکا	۱	۷,۱۴
کارشناس تربیت بدنی سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	۱	۷,۱۴
کارمند سازمان تربیت بدنی نیروهای مسلح	۷	۵۰

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی استراس و کوربین با استفاده از نرم افزار مکس کیودا *(MAXQDA 10)* استفاده شد. با کمک نرم افزار در مجموع همه مصاحبه‌ها تعداد ۵۱۷ کد اولیه ایجاد شد. تعدادی از این کدها تکراری یا مشابه بودند به طوری‌که با تجمیع یا ادغام آنها تعداد ۱۷۲ کد مستقل باز اولیه (مفاهیم) ایجاد شد. سپس کدهای باز اولیه (مفاهیم) در قالب ۳۲ مقوله دسته‌بندی شدند که اساس این کار بر پایه قرابت مفهومی و معنایی بود.

پس از انجام کدگذاری باز، مرحله دوم تجزیه و تحلیل داده ها یا کدگذاری محوری انجام شد. هدف این مرحله برقراری رابطه بین مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. کدگذاری محوری بر تمرکز و تعیین یک مقوله به عنوان مقوله اساسی یا اصلی قرار داشته و سپس سایر مقولات به عنوان مقولات فرعی به آن ارتباط داده می‌شوند. این کار با به کار بردن یک مدل پارادایمی شامل شرایط علّی، پدیده، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بر اساس روش کدگذاری استراس و کوربین انجام شد. در ادامه با استفاده از روش کدگذاری انتخابی به طراحی مدل نهایی توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی پرداختیم. این مدل مشتمل بر ۱۴ مقوله نهایی می‌باشد که نتایج آن در شکل زیر ارائه شده است.

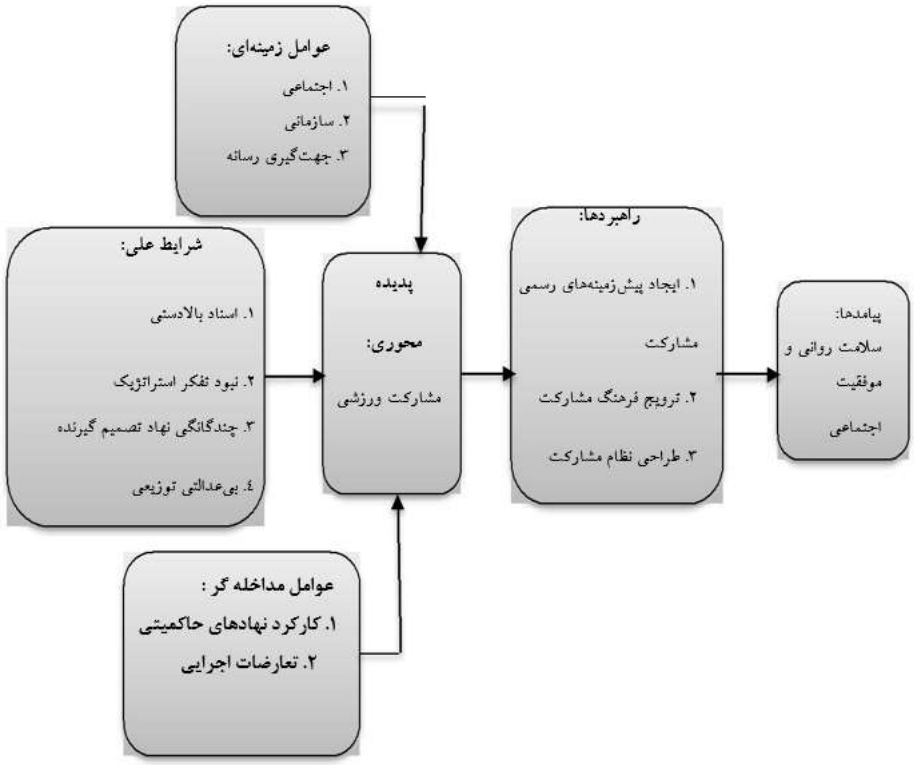

شکل ۱ . مدل نهایی توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی

این مدل بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش و منطبق بر شرایط موجود معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت سازمان طراحی و تدوین شد. با توجه به روش انتخابشده برای طراحی، مدل هایی پژوهش در قالب شش بخش پدیده محوری، عوامل علّی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها ارائه شد. در این مدل، مشارکت ورزشی با مقولات فرعی حوزه های مشارکت کارکنان، گروه های هدف و فرصت‌های موجود به عنوان مقوله اصلی یا پدیده محوری انتخاب شد که به عنوان یک متغیر وابسته تحت تأثیر شرایطی مانند اسناد بالادستی، تعارضات اجرایی، نبود تفکر استراتژیک، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده، بی‌عدالتی توزیعی، کارکرد نهادهای حاکمیتی، جهت‌گیری رسانه، عوامل اجتماعی و سازمانی قرار دارد. از طرفی تحقق مشارکت ورزشی در ورزش همگانی می‌تواند منجر به پیامد خاصی با عنوان سلامت و موفقیت اجتماعی شود، البته تحقق این امر، علاوه بر توجه به عوامل‌علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر منوط به ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت، ترویج فرهنگ مشارکت و طراحی نظام مشارکت است.

با توجه به اینکه درگذشته مدلی برای مشارکت‌های ورزشی در ورزش همگانی وجود نداشت و این اولین مدلی است که طراحی‌شده است، جامع بودن و توجه به همه‌ی عوامل مؤثر در توسعه مشارکت ورزشی، ساده و کاربردی بودن مدل، شفافیت در کدگذاری و نحوه تشکیل مقوله‌ها، اعتباربخشی جامع، نحوه چیدمان، تعاملات و ارتباط بین عوامل اصلی این مدل از ویژگی‌های متمایز آن است. به‌طور مثال؛ ازآنجایی‌که در مدل حاضر پدیده محوری، مشارکت ورزشی می‌باشد که امری مثبت است و انجام آن به داشتن برنامه و طرح نیاز دارد، بنابراین اسناد بالادستی، نبود تفکر استراتژیک، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده و بی‌عدالتی توزیعی در قالب عوامل علّی قرار گرفت. از طرفی با توجه به اهمیت حوزههای مشارکت و گروههای هدف، این مقوله‌ها نیز در کنار فرصت‌های موجود در قالب پدیده محوری قرار گرفت. همچنین تعارضات اجرایی و عملکرد نهادهای حاکمیتی به دلیل اعتقاد و اذعان اغلب مشارکت کنندگان در این پژوهش به وضعیت نامطلوب آن، در قالب عوامل مداخله‌گر قرار گرفت.

بحث ونتیجه گیری

مشارکت در ورزش در بیشتر کشورهای پیشرفته‌ی جهان مورد پذیرش قرارگرفته است (۷)، بدون شک چنین مقبولیتی در سایه اثربخشی مشارکت در بالا بردن بهره وری سازمانها، توسعه دموکراسی و بهبود روابط کار به دست آمده است (۱۹). امروزه این مفهوم اهمیت دوچندان پیدا کرده و مشارکت در عرصه‌های گوناگون یکی از دغدغه‌های اساسی دولتمردان و سیاست‌گذاران است (۲۰) به نظر برخی از اندیشمندان محور اصلی توسعه هر کشوری بر پایه مشارکت در سازمان استوار است (۲). تجارب کشورهایی که در امر سازمان به توفیقات قابل‌توجهی دست‌یافته‌اند حاکی از آن است که رابطه مستقیمی بین پیشرفت‌های کمی و کیفی سازمان، با افزایش مشارکت فعال و همه‌جانبه آحاد جامعه اعم از مسئولان ستادی و اجرایی، کارکنان آموزشی و اداری ، سایر متصدیان سازمان وجود دارد. در حقیقت توفیق سازمان تابع دامنه و میزان مشارکت مؤثر جامعه است.

با وجود اهمیت تربیت‌بدنی نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ورزش کارکنان، با مشکلات زیادی از جمله نبود برنامه‌ریزی صحیح و یکسان، نبود امکانات لازم اعم از فضا، وسایل و تأسیسات ورزشی، کمبود نیروی کارآمد و متخصص و ... مواجه است (۲۱). بدون شک اجرای هر برنامه نیاز به وسایل، ابزار و نیروی متخصص دارد و برنامه‌های تربیت‌بدنی از این قاعده مستثنا نیست. با توجه به این اصل انتظار پیشرفت برنامه‌های تربیت‌بدنی با حداقل امکانات و نیروی متخصص انتظار بیهوده و غیرمنطقی است؛ بنابراین تجهیز امکانات و تجهیزات لازم در سازمان های نظامی کشور یکی از عوامل مؤثر در غنی‌سازی پیشرفت و گسترش تربیت‌بدنی و ورزش می‌باشد. اگر کمبودها و نارسائی‌ها در زمینه امکانات آموزشی و ورزش رفع نشود و امکانات بیشتری به‌طور عادلانه توزیع نشود، موجب افت برنامه‌های ورزشی خواهد شد. بااین‌وجود، ورزش همگانی با کمبود امکانات، تجهیزات و سرانه اماکن ورزشی روبرو است (۲۲). با وجود اینکه جامعه ما از انواع بیماری‌هایی که مستقیم با نبود تحرک و فعالیت بدنی در ارتباطاند، رنج می‌برد، هنوز تربیت‌بدنی و ورزش در ذهن و روان جامعه امری زائد و جانبی است و این آفت نگرشی در مورد تحرک و فعالیت بدنی بر تمام لایه‌ها و اقشار جامعه مستولی است و به نظر می‌رسد علیرغم بهبودهای چشمگیر تا سرمنزل مقصود راه بسی دشوار در پیش است. با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام گرفته شده در این حوزه، استقرار و پیاده سازی مناسب نظام مشارکت ورزشی در ورزش همگانی مثمر ثمر می‌باشد، مسلم است برای استفاده از مزایای مشارکت ورزشی در ورزش همگانی نمی‌توان بدون طرح و برنامه پیش رفت. با توجه به ویژگی‌های خاص ورزش همگانی، موضوعی که اهمیت دارد ارائه یک مدل بومی و خاص به منظور توسعه مشارکت ورزشی، استقرار و پیادهسازی آن می‌باشد. مرور مطالعات گذشته نشان می‌دهد تاکنون پژوهش‌جامعی با در نظر گرفتن کلیه عوامل از جمله شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و نتایج و پیامدها و روابط این سازه ها و عوامل با یکدیگر انجام نگرفته است. در این راستا پژوهش حاضر باهدف تدوین مدل موانع مشارکت ورزشی در توسعه ورزش همگانی در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح انجام گرفت. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، مدل نهایی پژوهش مشتمل بر شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده محوری، راهبردها و پیامدها طراحی و تدوین شد، در ادامه به ارائه نتایج هر بخش می‌پردازیم.

پدیده محوری: در مدل نهایی پژوهش، مشارکت ورزشی با مقولات فرعی مشارکت، گروههای هدف و فرصت‌های موجود به عنوان مقوله اصلی یا پدیده محوری انتخاب شد که به‌عنوان یک متغیر وابسته تحت تأثیر شرایط گوناگونی مانند اسناد بالادستی، تعارضات اجرایی، نبود تفکر استراتژیک، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده، بی‌عدالتی توزیعی، عوامل اجتماعی، عوامل سازمانی، کارکرد نهادهای حاکمیتی و جهت‌گیری رسانه قرار دارد.

شرایط علّی:شرایط علّی که به‌صورت مستقیم بر توسعه مشارکت ورزشی تأثیر دارد مشتمل بر چهار مقوله اصلی؛ اسناد بالادستی،

نبود تفکر استراتژیک، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده و بی‌عدالتی توزیعی می‌باشد.

شرایط زمینه‌ای: سه مقوله اصلی عوامل اجتماعی، عوامل سازمانی و جهت‌گیری رسانه به دلیل ایجاد بسترهایی که منجر به شکل‌گیری مشارکت ورزشی می‌شود به عنوان عوامل زمینه‌ای انتخاب شدند. عوامل اجتماعی خود مشتمل بر پنج مقوله فرعی منفی نگری، عادات و گرایش‌های اجتماعی، انتظارات اجتماعی، منفعت‌طلبی و ناآگاهی اجتماعی می‌باشد. عوامل سازمانی نیز مشتمل بر سه مقوله فرعی بی‌تفاوتی کاری، خودخواهی سازمانی و عدم انعطاف ساختار وظیفه‌ای می‌باشد.

شرایط مداخله‌گر: در مدل نهایی پژوهش، عوامل مداخله‌گر که مشتمل بر دو مقوله اصلی کارکرد نهادهای حاکمیتی و تعارضات اجرایی می‌باشد، هم به‌صورت مستقیم بر توسعه مشارکت ورزشی تأثیر دارد و هم بر روی ارتباط بین عوامل علّی و پدیده اصلی تأثیر می‌گذارد، مسلم است این تأثیر هم می‌تواند تسهیل گر باشد و هم محدودکننده.

راهبردها: راهبردهای شناسایی شده در این پژوهش مشتمل بر سه مقوله اصلی ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت، ترویج فرهنگ مشارکت و طراحی نظام مشارکت می‌باشد. ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت مشتمل بر سه مقوله فرعی استراتژی‌های سطح کلان، برند سازی ورزش همگانی و برنامه های سطح محلی می‌باشد. ترویج فرهنگ مشارکت مشتمل بر مقولات فرعی آگاهسازی همگانی و اقناع و متقاعدسازی همگانی است. همچنین مقوله اصلی طراحی نظام مشارکت مشتمل بر سه مقوله فرعی طراحی نظام ورزشی، تدوین تدوین نظام حامیان مالی و طراحی سامانه مشارکت‌های کارکنان می‌باشد.

پیامدها: تحقق پدیده ی توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی می‌تواند منجر به پیامد خاصی با عنوان سلامت و موفقیت اجتماعی کارکنان شود. مقوله سلامت و موفقیت اجتماعی در این پژوهش مشتمل بر چهار مقوله فرعی افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش بهره وری، توسعه ورزش و توسعه سلامت اجتماعی است.

محورهای اصلی اسناد بالادستی (عدم انعطاف بودجه، الزام به واگذاری فضاهای ورزشی، محدودیت استفاده از نخبگان ورزشی)، نبود تفکر استراتژیک (تغییر و تحولات سریع مدیریتی، مبنا قرار ندادن برنامه جامع ورزش، نبود نگاه پایه‌ای به ورزش همگانی، بی‌توجهی به برند ورزش همگانی، تمرکز روی مسائل آنی زود بازده، تفکرات جزیره ای و عدم تمرکز بودجه و اعتبارات)، چندگانگی نهادهای تصمیم‌گیرنده (نبود مدیریت یکپارچه در ساخت و کاربری فضاهای ورزشی دولتی، برنامه‌ریزی مجزا و ناهماهنگ نهادها، تداخل مأموریت نهادهای ذینفع) و بی‌عدالتی توزیعی (توزیع نامتعادل منابع، تبعیض بین ورزش قهرمانی و همگانی، حمایت نابرابر دولت از ورزش همگانی در مقایسه با ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، ترجیح مسائل اقتصادی و درمانی و انحصاری بودن رسانه)، شرایط علی شکل‌گیری مشارکت ورزشی در ورزش همگانی محسوب می‌شود.

قضیه ۲: عوامل اجتماعی (منفی نگری، عادات و گرایش‌های اجتماعی، انتظارات اجتماعی، ناآگاهی اجتماعی، منفعت‌طلبی پنهان)، عوامل سازمانی (بی‌تفاوتی کاری، خودخواهی سازمانی، عدم انعطاف ساختار وظیفه‌ای) و جهت‌گیری رسانه (نحوه استفاده از ظرفیت اینترنت، عدم آگاه سازی رسانه، نگاه درآمدزایی رسانه، عدم تمایل رسانه به فرهنگ‌سازی، اولویت رسانه به ورزش رقابتی حرفه‌ای در مقابل ورزش همگانی) بستر و زمینه‌ای خاص برای بروز مشارکت ورزشی فراهم می‌کند.

قضیه ۳: شرایط مداخله‌گر کارکرد نهادهای حاکمیتی (ابهام در وضعیت قانونی مشارکت، نحوه تأمین بودجه تفاهم‌نامه‌ها، بی‌تفاوتی قانونگذار، عدم شفافیت نقش سازمانها، نحوه نظارت وزارت ورزش، عدم اولویت ورزش همگانی) و تعارضات اجرایی (حمایت ضعیف قانون از مشارکت‌کننده، عدم هماهنگی‌ذالزامات و نیازهای سازمانی با مقوله مشارکت، انتصاب مدیران غیر ورزشی و تک‌بعدی، ناهمسویی فرآیندی و محتوایی، نگاه درآمدزایی نهادها به اماکن ورزشی، عملی نشدن مصوبات و تفاهم‌نامه‌ها) نقش محدودکننده در مشارکت ورزشی دارند.

قضیه ۴: راهبردهای ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت (استراتژی‌های سطح کلان، برند سازی ورزش همگانی)، ترویج فرهنگ مشارکت (اقناع و متقاعدسازی جمعی و آگاه سازی همگانی) و طراحی نظام مشارکت در ورزش (تدوین نظام ورزشی، تدوین نظام حامیان مالی و طراحی سامانه مشارکت کارکنان) بر مشارکت ورزشی اثر خواهد داشت.

قضیه ۵: راهبردهای ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت (استراتژی‌های سطح کلان، برند سازی ورزش همگانی و برنامه سطح محلی)، ترویج فرهنگ مشارکت (اقناع و متقاعدسازی جمعی و آگاه سازی همگانی) و طراحی نظام مشارکت (تدوین نظام ورزشی، تدوین نظام حامیان و مدیران اثرگذار و طراحی سامانه مشارکت کارکنان) پیامدهای افزایش سرمایه اجتماعی، بهره وری، توسعه ورزش و توسعه سلامت اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

همانطور که در مدل نهایی پژوهش ذکر شد، تحقق مشارکت ورزشی در ورزش همگانی می‌تواند منجر به پیامد خاصی با عنوان سلامت و موفقیت اجتماعی افراد شود که شامل چهار مقوله فرعی افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش بهره وری، توسعه ورزش و توسعه سلامت اجتماعی است. در تأیید نتایج پژوهش حاضر یکی از مشارکت‌کنندگان می‌فرماید: اگر همه‌ی دستگاههای ذینفع باهم متحد باشند، باهم مسابقاتشان را برگزار کنند، باهم فرایند استعدادیابی‌شان را طی کنند. ببینید چقدر کیفیت بهتر و مناسب‌تری می‌تواند داشته باشد، استعدادها بهتر شناسایی می‌شوند و نتایج بهتری در ورزش همگانی و قهرمانی کسب می‌شود(۲۳). همچنین نتایج پژوهش حاضر با پژوهش ون وکتور مبنی بر اثربخشی مشارکت در بالا بردن بهره وری سازمانها، توسعه دموکراسی و بهبود روابط کار همسو است(۲۴). مشارکت ورزشی در ورزش همگانی و رسیدن به سلامت و موفقیت اجتماعی، علاوه بر توجه به عوامل علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر منوط به ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت، ترویج فرهنگ مشارکت و طراحی نظام مشارکت است که در مدل نهایی پژوهش به عنوان راهبردها مشخص شد. بر اساس نظر مشارکت‌کنندگان، ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت مشتمل بر سه مقوله فرعی استراتژی‌های سطح کلان، برند سازی ورزش همگانی است. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید مسئولین ورزشی باید به این مسئله توجه کنند و مشارکت باید در سطوح کلان تعریف شده و سازوکار دقیق آن مشخص شود. باید با اصلاح قوانین از موازی کاری جلوگیری کنیم و فعالیت‌ها و مسابقاتی که قرار هست در سازمان برگزار شود به سازمان واگذار گردد. برای تحقق مشارکت عوامل ساختاری از جمله اراده سیاسی، وجود قوانین و نهادهای اجتماعی مناسب، اطلاعات مناسب و عدم تردید در مورد مؤثر بودن مشارکت نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

نتایج این پژوهش نشان داد به منظور توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی باید عوامل یاد شده به عنوان مؤلفه‌های کلیدی مورد توجه قرار گیرد که ارتباط بین آنها در قالب مدل نهایی پژوهش ارائه شد. همانطور که در مدل نهایی پژوهش ذکر شد، مشارکت ورزشی در ورزش همگانی و کسب سلامت و موفقیت اجتماعی کارکنان در ورزش، علاوه بر توجه به عوامل‌علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر منوط به ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت، فرهنگ‌سازی مشارکت و طراحی نظام مشارکت است.

بر اساس نتایج این پژوهش و به منظور توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی پیشنهاد می‌شود؛ با توجه به این یافته که اسناد بالادستی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه مشارکت فرا بخشی در ورزش همگانی می‌باشد، مدیریت ارشد وزارت خانه باید به این موضوع اهمیت بیشتری داده و با رایزنی با هیئت دولت و مجلس جهت تصویب قوانین و آئین نامه های تسهیل کننده و استفاده از مسیرهای خلاقانه که مخالف با اسناد بالادستی نباشد، اقدام نماید. با توجه به این یافته که نبود تفکر استراتژیک یکی از مهم‌ترین موانع تأثیرگذار بر توسعه مشارکت در ورزش می‌باشد، پیشنهاد می شود ضمن ایجاد ثبات در مدیریت، عمل کردن به برنامه جامع ورزش و برندسازی شرایط مطلوب برای توسعه مشارکت های ورزشی فراهم گردد. با توجه به نقش مهم رسانه در تسهیل فرایند توسعه مشارکت فرا بخشی در ورزش همگانی پیشنهاد می‌شود؛ با گرفتن حق پخش

تلویزیونی، برگزاری نشست‌ها و گفتمانهای رسانه‌ای و میزبانی رویدادهای بین المللی همگانی در جهت ترغیب به مشارکت در ورزش تلاش شود. با توجه به این یافته که ایجاد پیش‌زمینه‌های رسمی مشارکت یکی از مهم‌ترین راهکارهای توسعه مشارکت ورزشی در ورزش همگانی می‌باشد، به‌منظور ایجاد بسترهای مناسب، لازم است تا استراتژی‌هایی در سطح کلان تدوین شود و با برقراری پیوند بین وزارت، سازمان و ادارات؛ با اجرای برنامه‌هایی سطح محلی توسعه مشارکت ورزشی را محقق کنند.

تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که در این پژوهش همکاری نموده اند تشکر و قدردانی می گردد.

تعارض منافع

این مطالعه فاقد تضاد منافع می باشد.

References

1. Yazdan Panah Leila. Barriers to social participation of Tehrani citizens, social welfare 2006; 7 (26): 105-130
2. Houshmand, Siddiqa and Ahmed Fuladi. The role of people's participation in the quality of the organization." The third scientific research conference of educational sciences and psychology of social and cultural harms in Iran, Qom, Soroush Hikmat Mortazavi Islamic Studies and Research Center. 2014.
3. Jafari, Salman; Mohammadi, Ali; Azmoon, Javad. () "The effect of sports sponsoring on the marketing communications of non-governmental companies in Tabriz city", Communication Management in Sports Media, third year, 2014, serial number 10: 32-41.
4. Abedini, S., Talebi, S. The Socio-economical Factors Related to the Degree of Tendency of Citizens toward Public Sports in Khalkal. Journal of Applied Sociology, 2017; 28(1): 131-144. doi: 10.22108/jas.2017.21255.
5. Chandani, T, J. Balan, M. Smith & M. Donahue. “Strengthening the Private Basic Education Sector”. USAID, Banyan Global, Inc. 2007.
6. Hefz al-San, Mehrdad. Designing and explaining the development model of public sports in Iran's public universities". PhD thesis, Urmia University; 2015.
7. Hoppe, E. I., Kusterer, D. J & Schmitz , P. W. “Public-private partnerships versus traditional procurement: an experimental investigation”. Journal of Economic Behavior & Organization, 2011; 89, 145-166.
8. Ghasemi Roshanavand, Javad. The relationship between employee participation, resistance to change and job burnout among employees of the Department of Sports and Youth of Greater Khorasan". Master's Thesis, Birjand University. 2012.1-15.
9. Jeff, Dennis T. Optimal collaborative management. Translated by Montazeri, Shahnaz; Montazeri, Mohammadreza. First Edition. Noslen Navandish Publications. 2008.1-10.
10. Kashkar, S., Soleymani, M. The role of privatization on recreational sport development in expert’s opinion. Applied Research in Sport Management, 2012; 1(2): 99-104.
11. Khabiri, M., Benar, N., Ramezaninezhad, R., Malek akhlagh, E., Kazemnejad, A. Designing a model of sport sponsorship selection in Iran. Sport Management and Development, 2012; 1(1): 75-86.
12. Andam, R. “A study of organizational commitment of volunteers and employee in physical education administrations of Iran Universities”. International Journal of Sport Studies,2013, 3(3), 236-241.

13. Mohseni, Morteza; Janalizadeh, Haider; Rakbadar, Leila. The nature and place of social participation in the proverbs of Bahmaniari's story. Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies, 2013. (1): 101-127.
14. Ghafari, Gholamreza; Niazi, Mohsen. Sociology of participation. Tehran: Nazdik Publications. 2007.
15. Dudley, D. A., Pearson, P., Okely, A. D., & Cotton, W. G. Recommendations for policy and practice of physical education in culturally and linguistically diverse Australian secondary schools based on a two-year prospective cohort study. School Psychology International,2015, 36(2), 172-188.
16. Sirisrisak, Tiamsoon. Conservation of Bangkok old town. The University of Tokyo: 2009; 113-188.
17. Glaser, R. Measuring the knower: toward a theory of knowledge equity. California Management Review, 1998, 40(3): 175-194.
18. Juliet Corbin & Anselm Strauss. . Principles of qualitative research method: basic theory, procedures and methods. Translated by Buyuk Mohammadi, Publisher: Research Institute of Humanities and Cultural Studies, 2019.
19. Olaleye, F. O. Sustainability of Private Sector Participation in the Provision of Access to Higher Education in Nigeria. Journal of Emerging Trends in Educational Research and Policy Studies (JETERAPS), 2012, 3(4), 580-586.
20. Wooda, L., Snelgroveb, R., & Danylchuka, K. Segmenting volunteer fundraisers at a charity sport event. Journal of Nonprofit & Public-Sector Marketing, 2010, 22(1), 38-54.3
21. Hashemian, F., Zandian, H., Aqamohammadi, D. Analysis of Private Sector Participation in the Education System. Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies, 2016; 3(Vol 3 - No 12): 1-26.
22. Matin, Nematullah. Necessity of participation in the organization: shortcomings and solutions. Sociology of Organization,2012. 3: 143-176.
23. Licciardello, O., & Di Marco, G. Attitudes Toward Adults with Cognitive Disabilities: An Empirical Study with Staff Care. International Journal of Developmental and Educational Psychology, 2010, 4(1), 45-53.
24. VanVactor. Jerry D. Collaborative leadership model in the management of health care. Journal of Business Research, 2012, 65: 555–561.

Original Article

Designing a model of barriers to sports participation of employees of the Ministry of Defense and support of the armed forces from a psychological point of view in order to develop public sports

Received: 23/02/2023 - Accepted: 18/03/2023

Jalal Goudarzi[1]
Sepideh Ghotnian[2*]
Zohreh Afsharmand[3]
Saeed Ghorbani[3]

[1] *PhD student in sports management, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.*
[2] *Assistant Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran. (Corresponding Author)*
[3] *Assistant Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.*

Email:
sepideh.ghotnian@yahoo.com

Abstract

Introduction: The current research was conducted with the aim of designing a model of barriers to sports participation of employees of the Ministry of Defense and support of the armed forces from a psychological point of view in order to develop public sports.

Methods: The current research method was qualitative and based on the foundation's data theory with a systematic approach. The statistical population in the qualitative section includes officials, consultants and experts in the field of public sports in the Ministry of Defense and Armed Forces Support. The selection criteria of the participants were subject mastery, practical experience and availability. The statistical population of the quantitative part of this research includes all senior and middle managers and employees of the Ministry of Defense. Purposive sampling method based on theoretical approach was used. Data collection continued until theoretical data saturation and 14 semi-structured interviews were conducted. In order to analyze the data, Strauss and Corbin's three-stage open, axial and selective coding method was used using MaxKuda software, which resulted in the extraction of 172 concepts, 32 subcategories and 13 main categories.

Results: The results showed that in order to design a model of obstacles to the sports participation of the Ministry of Defense employees and the support of the armed forces from a psychological point of view, in order to develop public sports, the 13 mentioned factors should be taken into consideration as key components, and the relationship between them in the form of the final model of the research. Provided. In this model, the development of sports participation with sub-categories of employee participation areas, target groups and existing opportunities was chosen as the main category or central phenomenon, which as a dependent variable is influenced by conditions such as upstream documents, executive conflicts, lack of strategic thinking, The multiplicity of decision-making institutions, distributional injustice, the function of governance institutions, content facilitators, media orientation, social and organizational factors are located.

Conclusion: The realization of the phenomenon of the development of participation in public sports can lead to a special outcome called mental health and social success.

Keywords: Participation, Psychological, Qualitative Method, Grounded Theory, Public Sports, Inter-Organizational Cooperation